

سازمان ملل: دیپلماسی موثر ترین راه رسیدگی به مسئله هسته‌ای ایران است

معاون امور سیاسی دبیرکل سازمان ملل در جلسه‌ای در شورای امنیت برای رسیدگی به اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ که سند قانونی توافق هسته‌ای است، به بیان نکاتسی درباره آخرین وضعیت احیای توافق هسته‌ای، همکاری‌های ایران و آژانس انرژی اتمی، همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه، همچنین برنامه موشکی ایران پرداخت. به گزارش اقتصادسرآمد، رزمیری دی کارلو، معاون امور سیاسی دبیرکل سازمان ملل در نشست شورای امنیت برای بررسی برجام(توافق هسته‌ای) و اجرای قطعنامه ۲۲۳۱، در بیانیه‌ای که در وبگاه سازمان ملل منتشر شده است، با اشاره به مذاکرات احیای توافق هسته‌ای که با وقفه روبه‌روست، گفت: «دیپلماسی تنها راه رسیدگی موثر به مسئله هسته‌ای ایران است. ضرورت دارد که تمامی طرفین هر چه زودتر گفت‌وگو را از سر گرفته و در زمینه مسائل باقی مانده به توافق برسند.» دی کارلو ادامه داد: «در این زمینه، من درخواست دبیرکل از آمریکا برای لغو تحریم‌های ایران یا اعمال معافیت‌های تحریمی برای آن در زمینه تجارت نفت با ایران را که در برجام مقرر شده، تکرار می‌کنم.» او افزود: «من همچنین این درخواست را از ایران دارم که اقدامات مغایر با تعهدات هسته‌ای مقرر در برجام را به حالت قبل بازگرداند. همچنین، رسیدگی به نگرانی‌های مطرح شده از سوی شرکای برجام و دیگر اعضا(شورای امنیت) درباره پیوست B قطعنامه ۲۲۳۱ حائز اهمیت است.» معاون سیاسی دبیرکل سازمان ملل در این بیانیه با اشاره به توافق ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای «سرعت بخشیدن به حل و فصل مسائل پادمانی باقی مانده» و «اجازه به آژانس برای اجرای مناسب‌تر فعالیت‌های نظارتی و راستی‌آزمایی»، گفت: «ما نگرانی‌هم که آژانس هنوز قادر به راستی‌آزمایی اورانیوم غنی شده در این کشور(ایران) نباشد. طبق برآوردها، مقدار کلی اورانیوم غنی‌شده ایران در حال حاضر، بیش از بیست برابر مقدار مجاز (در برجام) است. این مقدار شامل اورانیوم غنی‌شده تا ۲۰ درصد و ۶۰ درصد است که نگرانی‌های جدی درباره آن وجود دارد.» در این بیانیه اشاره شد که در ۶ ماه اخیر، هیچ پیشنهاد تازه‌ای در زمینه مقررات هسته‌ای مطرح نشده است. اگرچه، ششور ۱۰ تذکر درباره بند دوم پیوست B در زمینه فعالیت‌های سازگار با برجام دریافت کرده است. اشاره دی کارلو به اقدامات هسته‌ای «مغایر» ایران با برجام، در پی این مطرح می‌شود که ایران به دنبال خروج آمریکا از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸، بازگردانی تحریم‌های آن علیه ایران و بدعهدی شرکای اروپایی برجام در عادی‌سازی روابط تجاری با ایران و کاهش تاثیر این تحریم‌ها، اعلام کرد که طبق مفاد برجام، طی پنج گام، از اجرای برخی تعهدات داوطلبانه هسته‌ای خود در برجام فاصله می‌گیرد. فعالیت‌های ایران در برنامه هسته‌ای آن در این مدت پیشرفت‌هایی داشت اما مقامات ایران تاکید کردند که به محض بازگشت آمریکا و شرکای توافق به اجرای تعهدات این توافق، اقداماتش را به حالت قبل بازمی‌گرداند. مذاکرات برای احیای توافق هسته‌ای که از سال ۲۰۲۲ آغاز شد، چند ماه است که به دلیل برخی مسائل حل نشدده با وقفه روبه‌روست. ایران اعلام کرده است که اگر طرف‌های غربی توافق اراده سیاسی لازم را نشان دهند، آماده نهایی کردن یک توافق در وین برای لغو تحریم هاست.

بررسی اقتصادسرآمد از الزامات اساسی در تحقق

توسعه واقتصاد دریاپایه

جبران عقب ماندگی اقتصاد دریاپایه در گرو پایش سیاست های قابل اعتماد

در توسعه اقتصاد دریا، چیزی به عنوان

میانبر وجود ندارد

سید گروه دریا محور – ایرج گلشنی – در ابتدای ترین و کلیدی ترین اقدام لازم است تا تصویر کلان و روشن اقتصاد دریامحور برای تمامی کنشگران توسعه ترسیم شود. می بایست تعاریف چندوجهی در این حوزه بازگو شده و پس از اشتراک نسبی در برداشت و درک از موضوع، رویکرد اقتصاد دریامحور به عنوان یک الزام کشور به دستگاه ها و سازمان های درگیر ابلاغ و مطالبه گردد.

با اتخاذ، پیگیری و پایش سیاست های قابل اعتماد، فرصت های از دست رفته توسعه پایدار اقتصاد دریاپایه کشور جبران گردد. در این خصوص، مثالی است که می گویند. بهترین زمان برای کاشت درخت ۱۵ سال پیش بود، حالا که این ۱۵ سال را از دست داده ایم، همین امروز یک نهال بکاریم.

رویکرد توسعه خواهی نسل امروز باید به رویکرد توسعه آگاهی و توسعه آفرینی تبدیل شود و الزامات متناسب با هر کدام را پیدا نماید. در این زمینه وظیفه نهادهای اجتماعی، علمی، آموزشی و فرهنگی بسیار مؤثر خواهد بود. لزوم احترام به ملت طلایی «زمان – قاعده و ضابطه – برنامه» می بایست در تمامی دستگاه ها و سازمان ها و نهادهای کشور فراگیر شود. اهمیت زمان، در این موضوع نهفته است که باید بین یک روز و یک ماه و یک سال برای هر دستگاه و با سازمان متولی تفاوت وجود داشته باشد. در گیر بودن جدی پنج دولت اخیر به مسئله توسعه مکرران و عدم تحقق جدی توسعه در این منطقه بیانگر اهمیت زمان و ارزش آفرینی در بستر زمان است. در خصوص قاعده و قانون نیز می توان بیان نمود که مبنای تصمیمات می بایست منافع ملی کشور باشد و این تصمیمات باید منطقی، هدفمند، شفاف و تحقق پذیر با توجه به شرایط عمومی کشور باشد. در مورد برنامه نیز باید تاکید کرد که هر ایده خام شفاهی تست نشده برنامه نیست. در برنامه باید معلوم باشد که چه کسی، در کجا، چه وظیفه و اقدامی را در چه زمانی باید انجام دهد.

در توسعه دریامحور و اقتصاد دریا، چیزی به عنوان میانبر وجود ندارد. میانبر یعنی پذیرفتن کجراهه و مسیرهای انحرافی از توسعه پایدار ملی. اگر قرار باشد تا همه کجراهه های متصور امتحان شوند و اصطلاحاً بر مسیر سعی و خطا قدم برداشته شود، در بهترین حالت کشور در آینده ای بسیار دور در مسیر درست توسعه قرار می گیرد. در حالی که منابع و سرمایه های طبیعی و انسانی مان از دست رفته که این خودش یک خسارت جدی تلقی می گردد و در این حالت نسل امروز امانتدار خوبی برای آیندگان نبوده و آن ها این نسل را بازخواست جدی خواهند نمود. نهادهای اقتصادی و سیاسی، وظیفه ریل گذاری توسعه را برعهده دارند و فعالان اقتصادی، کارآفرینان و بخش خصوصی متأثر از همین ریل گذاری هستند. طبیعی است که اگر ریل گذاری در بستر ناپایدار و رو به مقصد نامطمئن باشد، نمی توان انتظار داشت که با حرکت در آن به هدف توسعه دست یافت. اصولاً، برنامه و اجرای آن خصوصاً در سواحل جنوب کشور و با توجه به شرایط اقلیمی و محدودیت منابع و انرژی به صورت دستوری منتهی به نتیجه مطلوب نمی شود. جمعیت و صنعت (در بخش خصوصی و خارجی) خودش را با دستور منطبق نمی کند، ولی تجربه نشان داده که خودش را با برنامه درست و منطقی و

همه جانبه تطبیق داده و به آن اعتماد کرده است.

اقتصاد دریامحور که در ادبیات جهانی عموماً با عنوان اقتصاد آبی یا Blue Economy از آن یاد می شود، استفاده پایدار از ظرفیت منابع و گستره های آبی اعم از اقیانوس ها، دریاها، دریاچه ها و جزایر برای رشد اقتصادی، بهبود وضعیت معیشت و ایجاد اشتغال و در نهایت افزایش تولید ناخالص داخلی تعریف می گردد(این تعریفی است که در مرکز پژوهش های مجلس مطرح شده است). بنابراین، حوزه اقتصاد دریا فراتر از مواردی از قبیل شیلات و گردشگری دریایی است و مستلزم ظهور و حمایت از صنایع مرتبط با آب و دریا و ازجمله حمل و نقل دریایی، گردشگری دریایی، انرژی های تجدیدپذیر، آبی پروری و شیلات، بیوتکنولوژی دریایی، زیست هوشناسی و معدنکاری دریایی است.

- اقتصاد دریامحور، راهبردی اساسی، توسعه ای و کنشگرا و در نهایت، تحول آفرین است.
- اساسی است؛ زیرا در سطح بالایی نهادهای و سازمان های زیادی را درگیر می کند.
- توسعه ای است؛ زیرا با موضوعات مختلف توسعه ای و حاکمیتی مانند جمعیت پذیری، ایجاد زیرساخت ها و ارتباطات گره خورده است.
- کنشگرا است؛ زیرا محرک جدی به کارگیری و به کاراندازی صنایع و اشتغال در دریاها و سواحل است.

شاید اگر امروز تصمیم گرفته شود ۱۰۰ موضوع و اقدام اساسی در فرایند توسعه کشور فهرست گردد و از بین آنها ۵۰ موضوع مهم تر انتخاب شده و در نهایت پنج موضوع کلیدی و جدی برگزیده شود، بدون شک موضوع توجه به اقتصاد دریامحور و توسعه سواحل مکران در سبد انتخاب نهایی قرار می گیرد. ایران با داشتن ۵۸۰۰ کیلومتر نوار ساحلی جنوبی و شمالی (۴۰ درصد مرزهای کشور)، کشوری دریایی محسوب می شود؛ ولی در میزان استفاده از این نعمت خدادادی چندان موفق نبوده است. بیشترین فعالیت در عرصه سواحل کشور، مربوط به محدوده های شهری و روستایی و تأسیسات بندری و نظامی است که همه اینها حدود ۵ درصد از ظرفیت سواحل کشور را به خود اختصاص داده اند و حدود ۹۵ درصد از این ظرفیت مورد توجه قرار نگرفته است. در حالی که این مناطق دارای اهمیت ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در مقیاس جهانی و منطقه ای هستند.

در حال حاضر بسیاری از کشورهای جهان سهم عمده ای از تولید ناخالص ملی خود را از دریا تأمین می کنند. در این میان ویتنام و سپس چین با بیش از ۵۰ درصد، در صدر قرار دارند. ایران نیز حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص ملی خود را از

دریا تأمین می کند که با توجه به پتانسیل های موجود در کشور، رقم پابینی تلقی می گردد. ایران حدود یک درصد اقتصاد دریایی دنیا را بدون احتساب منابع نفتی و گازی و حدود ۲/۵ درصد را با احتساب این منابع به خود اختصاص داده است. این در حالی است که از نظر پتانسیل موجود در اختیار کشور، ایران از بین ۱۸۴ کشور در رتبه چهارم قرار دارد، در صورتی که از نظر کسب درآمد وضعیت مطلوبی نداشته و بیشترین فعالیت های اقتصادی در عرصه سواحل کشور متمرکز در محدوده شهرهای بزرگ ساحلی است.

موضوع دیگر، چالش توزیع نامتوازن جمعیت در کشور و نگاه تمرکزگرایی و عدم توجه جدی به پتانسیل ها و ظرفیت و منابع نواحی مرزی و به خصوص در نواحی با مرز آبی بسیار جدی است. به عنوان نمونه، هفت استان ساحلی ما که حدود ۲۵ درصد مساحت کشور را به خود اختصاص می دهند، تنها دربرگیرنده حدود ۱۰ درصد جمعیت کشور هستند. در حالی که بررسی ها نشان می دهد که به ازای ایجاد یک شغل در بخش اقتصاد دریا، چهار شغل جدید ایجاد می گردد که در مقایسه با سایر بخش ها بسیار قابل توجه است.

در این زمینه، نمونه های موفق و ناموفقی به چشم می خورد. به عنوان نمونه، با ایجاد بندر شهید رجایی، جمعیت بندرعباس و به طور کلی استان هرمزگان دو برابر شد و پس از آن با اضافه شدن صنایع مادر در ناحیه بندرعباس مانند صنایع پتروشیمی، آلومینیم، کشتی سازی، فولاد و سیمان هرمزگان جمعیت این ناحیه بیش از پنج برابر شده است. از طرفی تجربه تقریباً ناموفق منطقه ویژه اقتصادی پایدار و متوازن اگرچه به عنوان یک مرکز پُراهمیت فعالیت های صنعتی و معدنی، منافع اقتصادی برای کشور به همراه دارد، لیکن چالش های جدی زیست محیطی، کالبدی و اجتماعی را (مانند آلودگی های بالای زیست محیطی و مسائل اجتماعی ناشی از مهاجرت های شغلی و دوگانگی فرهنگی) به دنبال داشته است. در این میان، استفاده از ظرفیت بالای کنشگری مناطق آزاد و ویژه، در تحقق الگوهای اقتصاد دریامحور بسیار کلیدی است. در این خصوص می توان به تجربه موفق کیش در جذب گردشگر دریایی اشاره کرد.

در نمونه ای دیگر می توان به مصوبه مجلس در بهمن ساه ۱۳۹۸ و الحاق اراضی شهر چابهار، شهر جدید تیس و بالغ بر ۸۰۰ روستا و افزایش محدوده ۱۴ هزار هکتاری به حدود ۹۲ هزار هکتاری اشاره کرد که این مصوبه هم راستا با نقش کلیدی بندر و شهر چابهار در مقیاس یکی از چهار شهر لجستیک کشور (براساس سند آمایش لجستیک کشور) و مبدأ کریدور توسعه شرق کشور بوده است.

بیست و یکمین دوره مسابقات شنای جانبازان از اسکله کندالو تا جزیره هنگام برگزار شد

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریبا عزیزی - اقتصاد سرآمد